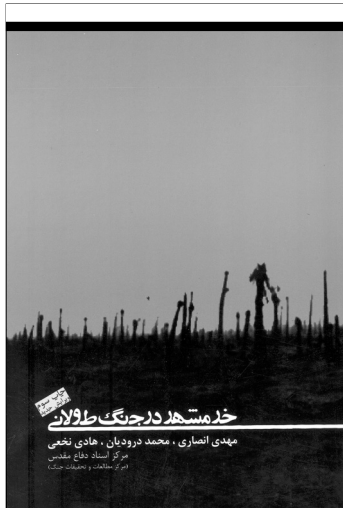




گزارش نشست نقد و بررسی

کتاب "خرمشهر در جنگ طولانی"

زهرا ابوعلی*



است. رئیس مرکز اسناد دفاع مقدس اظهار داشت: امروز و هنگامی که مهمترین حادثه تاریخ جنگ را پاس و بزرگ می‌داریم، به بررسی یکی از مهم‌ترین کتاب‌های مرکز به نام "خرمشهر در جنگ طولانی" که جزء بهترین آثار مرکز اسناد دفاع مقدس است، می‌پردازیم. وی افزود: من

در چند جلسه گذشته نقد و بررسی کتاب‌ها حضور داشته‌ام و از همه کتاب‌ها راضی‌ام. مدعوین مستحضرند و می‌دانند که راویان همراه فرماندهان و رزمندگان در صحنه‌های نبرد دویده و این آثار را جمع کرده‌اند. تفاوت کتاب‌های مرکز اسناد دفاع مقدس با دیگر مراکز در این است که ما خود همه اسناد را جمع‌آوری کرده‌ایم، همچنین در میان نبردهای هشت سال دفاع مقدس، عملیات بیت‌المقدس جایگاه ویژه‌ای دارد. کتاب "خرمشهر در جنگ طولانی" هم، کتاب ویژه‌ای است و این کتاب ارزشمند یکی از افتخارات مرکز اسناد دفاع مقدس محسوب می‌شود.

دکتر محمد رضا سنگری، پژوهشگر ادبیات دفاع

نشست نقد و بررسی کتاب "خرمشهر در جنگ طولانی" عصر پنج‌شنبه خرداد امسال در پایگاه اطلاع رسانی جنگ مرکز اسناد دفاع مقدس برگزار شد. این نشست به جلسه بررسی تاریخ‌نگاری وقایع خرمشهر در جنگ و همچنین به زبان آوردن ناگفته‌ها یا کم‌گفته‌های مقاومت تاریخی این نقطه از ایران در برابر ارتش متجاوز صدام تبدیل شد.

دکتر حسین اردستانی، رئیس مرکز اسناد دفاع مقدس در ابتدای نشست نقد و بررسی کتاب "خرمشهر در جنگ طولانی" گفت: فتح خرمشهر یک حادثه، یک رویداد و یک عملیات موفق نظامی نیست؛ بلکه نقطه عطفی در هویت یابی تاریخ ملت ایران است. زیرا با فتح خرمشهر، پیروزی انقلاب اسلامی در جوامع بین‌المللی تثبیت شد. وی افزود: فتح خرمشهر علامت هشدار برای همسایگان و سایر کشورهای جهان بود که بفهمند وضعیت جدیدی در ایران اتفاق افتاده و از این پس باید با یک ملت و یک دولت جدید در ایران در تعامل باشند. ایشان، موفقیت کشور ایران را در طول هشت سال جنگ تحمیلی، در رهبری حضرت امام خمینی (ره) عنوان کرد و افزود: بینش عمیق و آینده‌نگری امام (ره)، استقامت و تحولی در صحنه‌های نبرد به وجود آورد که سرآمد و نقطه عطف تاریخی آن، آزادسازی خرمشهر بود. از طرف دیگر، رژیم بعثی عراق که با حمایت سیاسی، اقتصادی، تسلیحاتی و بین‌المللی آغاز گر جنگ بود، سقوط کرد و هیچ اثری از آن باقی نمانده

است. دکتر سنگری افزود: مقدمه کتاب فوق‌العاده زیبا و رسا نوشته شده و اگر در پایان کتاب به عنوان نتیجه آورده می‌شد، شاید بهتر بود. زیرا عصاره و خلاصه همه کتاب در آن ذکر شده است. این مقدمه نشان دهنده تکامل ذهنی، قلمی و نگاه نویسندگان و استادان عزیزی است که این کتاب را نوشته‌اند. وی به نقاط ضعف کتاب "خرمشهر در جنگ طولانی" هم اشاره کرد و گفت: در مطالعه قسمت‌هایی از کتاب دچار تعجب می‌شدم. زیرا احساس می‌شد که نویسندگان در یک نوع سرگردانی به سر می‌برند. اگر رویکرد تاریخی است، نویسندگان می‌توانستند در بیان حقایق سیر تاریخی دقیق‌تری پیدا کنند. رویکرد در نگارش تا حدی مبهم و گم‌است. یعنی مشخص نیست نویسندگان با کدام نگاه، رویکرد و رهیافت وارد قلمرو نگارش شده‌اند. به نظر می‌رسد گاه در نوعی سرگردانی به سر می‌برند. قلم سمت و سوی مشخص و روشنی ندارد. زمانی رویکرد تحلیل گرانه است. یعنی به سمتی می‌رود که حقایق و حوادث مستند را کنار هم قرار می‌دهد و سپس این‌ها را تحلیل می‌کند و از چینش یا چیدمان در کنار هم مثل قضیه منطقی، به نتیجه‌ای می‌رسد. اما ممکن است روش تحلیل گرانه ما اینگونه نباشد و چنان فضا و زمینه را بسازد که مخاطب به نتیجه‌گیری دیگری برسد. اگر فرض کنیم روشی که نویسندگان این کتاب انتخاب کرده‌اند، روش تحلیل گرانه یا رویکرد، رویکرد تاریخ‌نگارانه است، می‌توانست یک سیر تاریخی دقیق‌تری پیدا بکند. پژوهشگر ادبیات دفاع مقدس اظهار داشت: در بخش‌هایی از کتاب شتاب‌زدگی دیده می‌شود. حوادث روزهای اول تا ۱۰ مهر ماه ۱۳۵۹ را خیلی ریز و دقیق نوشته‌اند، اما از دهم به بعد تا بیست و یکم که اتفاقاً اوج گیری حوادث است و خیلی اتفاقات شگفت و شگرف را که در خرمشهر روی می‌دهد، با شتاب‌زدگی نوشته‌اند و از روز بیست و یکم به بعد سرعت و شتاب‌زدگی خیلی بیشتر می‌شود. نمی‌خواهم بگویم نویسندگان کتاب در ثبت این روزها بی‌حوصله شده‌اند و احیاناً به علت این که به انتهای کار رسیده‌اند، خواسته‌اند اندکی سریع‌تر کتاب را به فرجام و سرانجام برسانند، اما به نظر می‌رسد که اتفاقات و حوادث این روزها خیلی زیاد بوده، ولی در این کتاب به آنها توجهی نشده است. در خرمشهر، پا به پای حادثه‌ها بودم و حتی

مقدس در نشست نقد و بررسی کتاب "خرمشهر در جنگ طولانی" ضمن ارزشمند دانستن این کتاب گفت: ابتدا از این زاویه که آن روزها را درک کرده‌ام، می‌توانم وارد موضوع و نقد کتاب بشوم. زیرا از اول جنگ در خرمشهر و جزء ۶۴ نفر آخری بودم که از خرمشهر به سمت آبادان آمدیم. وی افزود: کتاب "خرمشهر در جنگ طولانی" کار بسیار ارزنده و زیبایی است. مرا به متن خاطراتم می‌برد. کتاب را چند بار خواندم و پای بسیاری از صفحات آن اشک ریختم. کتاب "خرمشهر در جنگ طولانی" مرا واداشت که حتی بعضی منابع و مأخذ دیگر را و حتی یادداشت‌های روزانه‌ای را که در مقاومت خرمشهر نوشته بودم، با دقت و نگاه دیگری مرور کنم و آن روزهای سراسر حادثه را یک بار دیگر به یاد آورم. از ارزش‌های کتاب "خرمشهر در جنگ طولانی" هر چه بگویم، کم گفته‌ایم. کاری بسیار لازم و بایسته و خلق شده در زمان خودش است که اگر نگارش این کتاب یکی دو سال تأخیر اتفاق می‌افتاد، جز اینکه بعضی حافظه‌ها را از دست می‌دادیم و برخی از

خاطره‌ها کم می‌شد و بعضی از خاطره‌سازان و خاطره‌آفرینان در دسترس نبودند، حاصلی در پی نداشت. فاصله زمانی نوشتن این کتاب با حادثه بسیار بسیار کم بود و همین مساله بر ارزش کار افزوده است. پژوهشگر ادبیات دفاع مقدس اظهار داشت: روش مندی در کار تدوین تا حد زیادی محسوس و ملموس است و معلوم می‌شود نویسندگان این کتاب هر یک با طرح ذهنی خودشان این کتاب را نوشته‌اند. جای سوال است که چگونه این چند نفر خودشان را با همدیگر هماهنگ کردند؟ وی با اشاره به چاپ‌های قبلی کتاب گفت: کتاب را با چاپ‌های قبلی تطبیق دادم. کاملاً احساس می‌شد که نگاه نویسندگان نسبت به چاپ‌های قبلی کتاب کامل‌تر و دقیق‌تر شده

دکتر اردستانی:

فتح خرمشهر یک حادثه،
یک رویداد و یک عملیات
موفق نظامی نیست؛
بلکه نقطه عطفی در
هویت‌یابی تاریخ ملت
ایران است

جنگ کوهستانی بود که یکی از این ارتفاع یکی از آن ارتفاع با هم بجنگند. خدایش رحمت کند شهید جهان آرا را. یک شب جمع شان کرد. به من گفت: «بنده خداها را راضی کن برگردند.» شهید جهان آرا حق داشت، تعدادشان بسیار کم شده بود. گفتم: «خودت با آنها صحبت کن.» شهید جهان آرا صحبت کوتاهی کرد و از آنها خواست که به عقب برگردند. یکی از آنها از وسط جمع بلند شد و بالهجه شیرین بختیاری گفت: «آقا این جنگ، جنگ نامردیه، همش از آسمون آهن می باره.» آها تا آخرین نفر شهید شدند و به عقب برنگشتند. گروه‌های مختلف مردمی و نظامی زیادی بودند که اتفاقاً پس از روز دهم وارد شهر شدند. مثل ۱۲۰ نفری که از ژاندارمری آمده بودند.

وقتی از آنها سؤال کردم که چه طور شد به خرمشهر آمدید؟ گفتند: اعلام کردند هر که واقعاً عاشق شهادت است، می تواند به جبهه برود. من یک لحظه گفتم: تمام خرمشهر از بهترین نیروهای مخلص پر شده، نیروهایی که ۲ و ۳ روز بعد شاید ۳۰ نفر از آنها را دیگر نمی توانستم، بینم. پژوهشگر ادبیات دفاع مقدس اظهار داشت:

دکتر سنگری:
من خرمشهر را نماد
کل ایران می دانم،
زیرا در آن زمان
همه ایران در خرمشهر
می جنگیدند

حضور این گروهها در کتاب «خرمشهر در جنگ طولانی دیده نشده. اگر نگاه، نگاه تاریخ نگارانه است باید نوعی روز نگاری در اینجا دیده بشود که نمی بینیم و به هم ریختگی وقایع روزها و تاریخها دیده می شود. تفکیک و ترتیب روزها و رویدادها کمتر رعایت شده و رویکرد و روح عبرت گونگی نیز در این کتاب گم شده است. دکتر سنگری با طرح سوال «چه شد که چنین شد؟» قرار بود دشمن خرمشهر را در ۷ روز یا کمتر به تصرف در آورد. ولی اشغال با مقاومت ۳۴ روزه مردمی طول کشید. در این کتاب پاسخی به این سوال داده نمی شود. وی با مرور خاطرات خود از مقاومت مردم خرمشهر اظهار داشت: یادم است وقتی خرمشهر را ترک کردیم، تمام دیوار خانه‌ها سوراخ

نامه‌ای از دو شهید به نام حسین و خواهرش پروین حاجی شاه پیدا کردم، این نامه و چیزهای دیگری هم هست که من در اختیار دارم و اگر مرکز اسناد دفاع مقدس خواست به عنوان سند تقدیم می کنم. من آن روزها در خرمشهر و در بطن حوادث، شاهد حضور دسته دسته کسانی بودم که از گوشه و کنار کشور به خرمشهر می آمدند. وی افزود: در مقدمه کتاب اشاره شده که خرمشهر نماد «مقاومت» و آزادی است. اما من خرمشهر را نماد کل ایران عنوان می کنم. زیرا در آن زمان همه ایران در خرمشهر می جنگیدند و شما می توانستید همه را ببینید. عشایر بختیاری بالباس و برنو به جنگ آمده بودند. دیگر اقشار مردم از جمله بنده فرصت نکرده بودیم حتی لباس نظامی بپوشیم و بسیاری از نیروهای سپاه، لباس سپاه نشان نبود و خدا رحمتش کند؛ من با شهید دشتی و مهدی آلبوغیبش همراه بودم. در مقاومت خرمشهر خانه به خانه حرکت می کردیم. شاید قیاس درستی نباشد اما مشهور است در کربلا وقتی حضرت قاسم (ع) به میدان رفت، بند نعلین پای چپش گسسته بود. این وصفی است که حمید بن مسلم گزارشگر سپاه دشمن ذکر می کند. تحلیل خودم از این مساله این است که وقتی از پای راست شروع کرد، نگران این بود که مبادا کسی پیش از او به میدان برود. می خواست با شتاب خودش را به جبهه برساند. به همین دلیل مجال پیدا نمی کند بند نعلین پای چپ را ببندد. دکتر سنگری گفت: باور کنید در جبهه بعضی از رزمندگان دمپایی به پا داشتند و بعضی ابتدایی ترین وسایل نبرد را هم نداشتند، اصلاً تصویری از جنگ نداشتند. یادم است تعدادی از بختیاری‌ها با سلاح‌های لوله بلندی به میدان جنگ آمده بودند که برای هر گلوله باید لوله آن را تمیز و پر می کردند. آنها نمی دانستند چه خبر است و دشمن با چه امکاناتی به جنگ آمده، ما هم که تجربه جنگی نداشتیم. خدا می داند نیروهایی به صحنه آمده بودند که هیچ یک کار بلد نبودند. من تا حدودی کار با ژ ۳ و نارنجک را به آنها یاد دادم. بعضی از بچه‌ها در فاصله حدود ۲ روز به گونه‌های مختلف نبرد آشنا و به مسائل مختلف سلاح‌های جنگی مسلط شدند. این شتاب خیلی عجیب بود و در آنجا وجود داشت. یادم است بختیاری‌ها یکی یکی شهید می شدند. تا می آمدند یک گلنگدن بکشند ۱۰ تا گلوله در سینه آنها خالی می شد. تصورشان از جنگ،

در جنگ طولانی می‌توانست تک رسانه‌ای نباشد و همراه فیلم یا چند سی‌دی تجدید چاپ شود. امیدوارم مجموعه آن گفت‌وگوها و روایت مردمی که ضبط شده، موجود باشد و روزی ضمیمه کتاب شود. وی گفت: اگر روزی قرار بشود این کتاب را در سطح جهانی عرضه کنیم، حداقل باید تصویری از خرمشهر، مثلاً از نظرگاه جغرافیایی، فرهنگی و سابقه تاریخی در آن ذکر شود و در این کتاب به آن توجه نشده است. دکتر سنگری به ترکیب اجتماعی و جایگاه اقتصادی خرمشهر که مطمع نظر دشمن بود، اشاره کرد و گفت: این سوال پیش می‌آید که چرا دشمن این همه تأکید بر تصرف خرمشهر داشت؟ آیا صرفاً نزدیکی جغرافیایی یا مسائل و ارزش‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی این شهر مطرح و مورد توجه دشمن بود؟ این نکات حساس در کتاب عنوان نشده‌اند و باید در تجدید چاپ مورد توجه قرار گیرند.

وی با اشاره به بعضی از تصاویر کتاب که اصلاً مربوط به حادثه مقاومت خرمشهر نیست، گفت: عکس صفحه ۱۷۹ که کودک زخمی را نشان می‌دهد، مربوط به حملات موشکی دزفول است. خودم این شخص را می‌شناسم و با او کاملاً آشنایی دارم. اتفاقاً اگر دیوار پشت تصویر کودک را ببینید، شعار تبلیغاتی و نام زرهانی روی دیوار نوشته شده است. آقای زرهانی در آن زمان نماینده شهر دزفول بود. غیر از این عکس، چندین تصویر دیگر در کتاب دیده می‌شوند که متعلق به این فضا نیستند. لازم بود در انتخاب عکس دقت بیشتری می‌شد. پژوهشگر ادبیات دفاع مقدس از دیگر نقاط ضعف این کتاب، به عنوان نکردن اسم عکاسان جنگی اشاره کرد که از عکس‌های آنها در این کتاب استفاده شده است. وی افزود: بالاخره این آثار متعلق به کسانی است که آثارشان در تاریخ می‌ماند. آنها کسانی‌اند که در آن موقعیت حضور داشته و این تصاویر را گرفته‌اند و کار حماسی انجام داده‌اند و باید به آنها توجه شود. دکتر سنگری گفت: اگر زاویه دید این کتاب روایی است، مقدار دخل و تصرف‌هایی هم که نویسندگان در این کتاب اعمال کرده‌اند، جمع‌بندی و درپانوشه، آنها را ذکر کنید و لطفاً در متن و محتوای کتاب دخالت ندهید. پژوهشگر ادبیات دفاع مقدس افزود: خرمشهر با ۴ آبان (روز سقوط) تمام نشد. ما پس از آن تاریخ جنگ‌های ایذایی بسیاری داشتیم که هر

شده بود. ماشینی هم که چند زخمی در آن بود و می‌خواست از پل بگذرد، عراقی‌ها با آر.پی.جی آن را زدند. در آن اوضاع یک آدم ساده‌ای بود که نمی‌دانم چه جور به جنگ آمده بود، وقتی از روی پل داشت می‌رفت برای عراقی‌ها شکلک در می‌آورد، عراقی‌ها هر کاری کردند که او را بزنند موفق نشدند. خیلی عجیب بود که او توانست از روی پل بگذرد. ما به سقف پل آویزان شده بودیم. فکر کنم ۵۰ دقیقه طول کشید تا ما به آن طرف پل رسیدیم. چند نفر هم مثل ما وقتی به آن طرف پل رسیدند، بیهوش شدند. وقتی آنجا چشمم را باز کردم، دیدم اسلحه‌ام نیست، در به در این طرف و آن طرف را گشتم. بالاخره آقای فروزنده را پیدا کردم، کسی که در مقاومت خرمشهر سهم زیادی داشت و بازوی شهید جهان‌آرا بود و متأسفانه در این کتاب به نقش او کم‌رنگ اشاره شده است. مرا پیش محمد جهان‌آرا برد و به من اسلحه داد. در آن فضا چشمم به یک زخمی افتاد که سرش را روی زانوی خانم امدادگری گذاشته بود و آن خانم برایش شعر می‌خواند. هرگز این صحنه را فراموش نمی‌کنم. دختر شعر می‌خواند و آن رزمنده گریه می‌کرد، تا اینکه بالاخره روی زانوی دختر به شهادت رسید. بعد متوجه شدم آنها خواهر و برادرند. آن خواهر بعد از شهادت برادرش خیلی راحت سر برادر را زمین گذاشت و بلند شد و مشغول مداوای دیگران شد. خیلی تعجب کردم، باور کردنی نبود، اما مقاومت و استواری این خواهرها ستودنی است. من شاهد جنگیدن دخترانی مثل شهید پروین حاجی‌شاه بودم که در جبهه می‌جنگیدند. دکتر سنگری با اشاره به مشخص نبودن رویکرد نگارش کتاب که آیا گزارشی، تلفیقی یا ترکیبی است و گم‌شدن بعضی از روایان در طول اثر، گفت: ۶ دسته راوی از جمله، اسرای عراقی، نیروهای اعزامی، نیروهای بومی خرمشهر، اسناد و مدارک نیروهای خودی و دشمن و وجود کمرنگ مولف در نگارش این کتاب سهیم بوده‌اند، اما نویسنده ذکر بعضی از روایان و مشاهدات آنها را فراموش کرده است. همچنین ذکر یک دسته از منابع و مأخذ در این کتاب کم است. زیرا کتاب در سال ۱۳۶۱ نوشته شده و در آن زمان آثار محیط جنگی موجود بوده و از آن جمله می‌توان به عکس‌ها و تصویرها اشاره کرد. به نظر می‌رسد یک تعداد دیگر از روایان حادثه، در این کتاب گم شده‌اند. دکتر سنگری تصریح کرد: کتاب "خرمشهر

که نام سه تن به عنوان مولف و نام ۶ تن به عنوان محقق در شناسنامه آمده بود. از این حیث این نکته را عرض می‌کنم که کارهای این چینی نیاز به عقل جمعی و همت گروهی دارد که خیلی آن را نیم‌موخته و تمرین نکرده ایم. شاید یکی از دلایلی که این کتاب را از نوعی دیگر کرده، همین نگاه‌های تقریباً گوناگون بوده است. علیرضا کمره‌ای گفت: کتاب در ۲ بخش و ۱۰ فصل و دو ضمیمه تنظیم شده است. من از فصل اول تا انتهای فصل ۵ را از نظر شیوه، شکر د و موضوع به عنوان بخش اول و از فصل ۶ به بعد را به عنوان بخش دوم کتاب می‌دانم. بخش‌های نخست کتاب بسیار خوب تألیف شده‌اند و مثل دانه‌های زنجیر حلقه در حلقه افتاده‌اند و بافت خیلی خوبی دارند. در هیچ قسمتی از بخش‌های نخست کتاب پرسش اضافه‌ای ندیدم. کتاب خیلی خوب و دقیق از نگاه تاریخی و پیشینه‌شناختی خرمشهر شروع می‌شود. من ۵ فصل نخست را مقدمه بخش دوم می‌دانم. گویی مقدمه‌های پیاپی را برای متن و بدنه اصلی کتاب که گزارش واقعیات است، بیان می‌کنند. وی یکی از بخش‌های بسیار مهم "خرمشهر در جنگ طولانی" را مقدمه این کتاب دانست و گفت: سه پیش‌گفتار و مقدمه برای کتاب نوشته شده که با دو پیش‌گفتار جدید کاری ندارم. اما در پیش‌گفتار چاپ اول نکات جالبی از نوع نگاه تحلیلی نظر مرا به خود جلب کرد. مقدمه مفصلی که در چاپ اول کتاب دیده می‌شود، یک نوع نگاه فرا واقعی به موضوع است و مقدمه به نوعی چکیده کتاب است. این بخش می‌تواند مستقل در آخر کتاب آورده شود. علیرضا کمره‌ای افزود: نکته قابل توجه در مقدمه این است که به مقاومت ۳۴ روزه اشاره می‌کند و این که این مقاومت می‌تواند مبنای کل جنگ ما و کل جنگ ما مبنای استقرار جمهوری اسلامی در وضعیت دفاعی باشد. مقدمه با این توصیف نشان می‌دهد که مقاومت ۳۴ روزه چه آثار و تبعاتی به دنبال داشته است. به نظر من بدون اضافه‌گویی و افزون‌گویی خیلی خوب مقاومت ۳۴ روزه را تحلیل کرده است. وی به منابع کتاب اشاره کرد و گفت: منابع کتاب عبارتند از گواهی یا اظهار شواهد شاهدان رخداد و کسانی که در آن حادثه حضور داشته‌اند و اسناد و گزارشات مکتوب از جمله اظهارات فرماندهان اسیر عراقی و دیگر یادداشت‌هایی که پراکنده از آنها یاد شده است. علیرضا

شب از آب می‌گذشتیم و دشمن را اذیت می‌کردیم و خواب راحت را از آنها گرفته بودیم. هنوز که هنوز است به یاد شب سقوط خرمشهر می‌افتم که ما این طرف آب بودیم و دشمن در شهر، خدا می‌داند دل‌مان نمی‌آمد یک گلوله از این طرف به سمت خرمشهر شلیک کنیم. از حماسه‌های رزمندگان در جنگ‌های ایزدایی اسمی برده نشده است. همچنین شبی که دشمن شهر را تصرف کرد؛ هنوز صدای کل زدن نیروهای دشمن را که در فرمانداری مستقر شده بودند در خاطر دارم. اما در این کتاب از فرمانداری که از نقطه‌های ثقل مبارزه بود، مثل مسجد جامع خرمشهر که هم خاستگاه انقلاب و هم پایگاه جنگ و در حقیقت مرکز روحیه‌دهی، آذوقه و سازمان دهی نیروها بود، متأسفانه خیلی گذرا و کم‌رنگ نام برده شده است. باید به فکر باز تولید این کتاب بود.

علیرضا کمره‌ای، پژوهشگر و کارشناس ادبیات و تاریخ دفاع مقدس در نشست نقد و بررسی کتاب "خرمشهر در جنگ طولانی" گفت: اگر دید دقیق و همه‌جانبه را معطوف به مساله خرمشهر بکنیم و همه تحقیقات انجام شده درباره خرمشهر را به عنوان زمینه و مقدمات اولیه برای مطالعات جدی قرار دهیم، می‌بینیم که ماجرای مقاومت خرمشهر یک مساله تمام شده نیست، بلکه موضوع مطالعه تازه آغاز شده است. وی افزود: در نقد و بررسی، فارغ از آن چیزی که در نگاه سیاسی، تقلیدی، ادبی و احساسی و گزاره‌های مربوط به کتاب مدنظر است، خرمشهر در نوشته‌ها، گفته‌ها و ساخته‌ها سنگینی می‌کند. این مساله‌ای است که باید به آن توجه کنیم، زیرا اگر شناخت درست تاریخی از این ماجرا پیدا نکنیم، مسائلی هم که مربوط به خرمشهر می‌شود، ممکن است زیاد دقیق و عمیق نباشند. بنابراین معرفت تاریخی خرمشهر را از جهات مختلف، پایه و مبنایی برای ورود به بحث‌های فراتاریخی مرکز تحقیقات و مطالعات جنگ سپاه - که امیدوارم این نامش بماند و بپاید - می‌دانم که مبنای نگرش و گرایش آن به مرور تجربه شده و به دست آمده است و در این مرکز تسامحاً از آن با عنوان مکتب تاریخ‌نگاری سپاه یاد می‌شود. پژوهشگر و کارشناس ادبیات و تاریخ دفاع مقدس اظهار داشت: وقتی کتاب "خرمشهر در جنگ طولانی" به دست من رسید، چیزی که در وهله اول برای خود من هم جالب بود، این بود

کتاب "خرمشهر در جنگ طولانی" است. کتاب باید به چراهایی که برای خواننده به وجود می‌آید پاسخ بدهد. پژوهشگر و کارشناس ادبیات و تاریخ دفاع مقدس ادامه داد: در بخش دوم به نام سردار شمشخانی می‌رسیم که ظاهراً روز دوم آبان ماه ۱۳۵۹ خطاب به مسلمانان و مسولان می‌نویسد که به داد ما برسید. این یک سوال مجهولی است که چه کسی یا چه کسانی به چه طریقی باید پاسخ می‌دادند؟ در اینجا ظاهراً صداها در خود منطقه می‌مانده! گویی در این کتاب ارتباطی بین حلقه‌های تصمیم‌گیری نیست. در حالی که بخش اول کتاب به مباحث تحلیلی سیاسی و نظامی می‌پردازد که همان شگرد غالب در مرکز اسناد دفاع مقدس است. بخش دوم کتاب یک گزارش نقلی یا واقعه‌نگاری است که حتی کمی به آرایه‌های ادبی نیز نزدیک می‌شود، یعنی جزءنگاری‌های گرم و لحظه‌ای و صحنه‌پردازی‌هایی همراه با دیالوگ. وی معتقد است: باید ساختار این کتاب با تفکیک روزها، محورها و حادثه‌ها نوشته می‌شد، در حالی که روزها در هم ادغام شده‌اند، مخصوصاً وقایعی که خیلی مشابه‌اند و خواننده با یک دقت نظر و تفکر، به حوادث روز پی می‌برد و باید در نظر گرفت که این کتاب تجارب سال ۱۳۶۱ است و ما از موضع فعلی کتاب رانقد می‌کنیم. در واقع باید ملاحظاتی را برای آن در نظر گرفت. به نظر می‌رسد اگر این کتاب با توجه به محور، موضوع و زمان تفکیک بشود، از نظر ساختار، شکل‌شکلی تر و منسجم‌تری پیدا می‌کند. این پژوهشگر و کارشناس ادبیات و تاریخ دفاع مقدس نقاط قوت کتاب "خرمشهر در جنگ طولانی" را بیان واقعیت‌ها و از جمله فعالیت ستون پنجم، خوف اسارت نیروهای خودی و خوی ددمنشانه دشمن ذکر کرد و گفت: از دیگر واقعیت‌ها در این کتاب اشاره به تعدادی تفنگ ۱۰۶ است که در انبار پادگان داخل گریس خوابیده، در حالی که رزمندگان دنبال سلاح می‌گردند. یا در صفحه ۲۱۳ فرار عده‌ای از رزمندگان و حتی تسلیم دشمن شدن بعضی از آنها و خوف از اسارت نیروهای خودی که به دوستانشان می‌گویند: "اگر ما افتادیم حتماً به ما تیر خلاص بزنید"، گزارش شده است. وی افزود: در واقع می‌شود گفت حوادث در کتاب "خرمشهر در جنگ طولانی" به تعبیر متعارف خیلی ماله کشی نشده و همین مساله موجب شده که سوالات بی‌پاسخ کتاب زیاد باشد. کتاب با این وضع آدم

کمره‌ای با اشاره به فصل‌های کتاب، آنها را تشریح کرد و اظهار داشت: فصل نخست به اختلافات قومی و مذهبی و موقعیت روحانیت در قبل از انقلاب اشاره دارد. مسائلی که با عنوان عوارض زیر پوستی می‌شود از آنها یاد کرد. در فصل دوم گام‌های در جهت سیطره‌گرایی قومی بر خرمشهر و درگیری بدفروغ‌گرایش‌های قومی در خرمشهر بررسی می‌شود. در فصل سوم قدرت گرفتن صدام در عراق و حلقه‌هایی که در این میان شکل می‌گیرند، بررسی می‌شوند. یعنی از اختلافات قومی شروع می‌شود تا به درگیری‌های داخلی می‌رسد. سپس مساله حمله امریکا به طبرستان و داستای نوژه که پرده‌های مختلف یک سناریو بودند، مطرح می‌شوند که اگر هر یک به نتیجه می‌رسیدند، تصور می‌شود جنگ اتفاق نمی‌افتاد. اما دفاعیات و محاکمات کسانی که در کودتای نوژه دستگیر شدند نشان می‌دهند که این اتفاقات کاملاً با جریاناتی که در عراق اتفاق می‌افتادند، پیوند داشته و همراه بوده و شکست کودتا با شمارش معکوس آغاز جنگ همراه بوده است. در فصل چهارم تقریباً به جنگ داخلی و انفجارات وارد می‌شویم و در فصل پنجم، درباره درگیری‌های مرزی و تشدید تحرکات ارتش عراق در شهریور ۱۳۵۹ می‌خوانیم. در حالی که هنوز به نقل از کتاب، جنگ برای مسولان کشور جدی گرفته نشده بود. وی افزود: آن چیزی که تا فصل ۵ به ذهن مخاطب می‌رسد، این است که تعداد بسیار اندک یا معدودی به نظرشان رسیده که این درگیری مرزی منجر به جنگ می‌شود و بسیاری نسبت به این موضوع بی‌اطلاع‌اند. مساله‌ای که مهم است چرایی این موضوع است. کتاب در پاسخ به چرایی این مطلب غفلت کرده است. البته پاسخ این سوال‌ها را بزرگان جنگ در کتاب‌های دیگر داده‌اند، اما بحث ما نبود این چراها در

دکتر اردستانی:

تفاوت جلسات نقد کتاب
مرکز اسناد دفاع مقدس با
دیگر مراکز در این است که
ما خود همه اسناد را
جمع‌آوری کرده‌ایم

زیادی برای خرمشهر می شود انجام داد. زیرا خرمشهر یک پروژه ای نیست که ما آن را بخوانیم و کنار بگذاریم. خرمشهر پروژه ای است که به نظرم شروع شده و بایستی جایی مثل مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ در سپاه و دیگر نهادهای مطالعاتی مربوط به جهاد سازندگی، ارتش و نهادهای دیگر به این موضوع اهتمام بورزند. خصوصاً اینکه آنچه در خرمشهر اتفاق افتاد مینا و پایه ای شد برای شکل گیری همه چیزها در جنگ، حتی ادبیات جنگ. دانشکده افسری ایران اسلامی در خرمشهر.

امیر سرتیپ سید علی اکبر موسوی قویدل در نشست نقد و بررسی کتاب "خرمشهر در جنگ طولانی" گفت: در

این کتاب اسمی از دانشکده نظامی برده نشده است. ما در طول تاریخ جنگ های جهانی، فقط شاهد دو مورد از حضور دانشکده نظامی در جنگ ها هستیم. یکی به زمان جمال عبدالناصر بر می گردد که در جنگ با اسرائیل، دانشکده افسری را تعطیل کرد و دانشجویان را به جبهه فرستاد. دومین مورد حضور دانشجویان

افسری در جبهه های نبرد در طول تاریخ جنگ های جهانی، در دانشکده افسری ایران اسلامی اتفاق می افتد. ۷۳۱ نفر دانشجوی دانشکده افسری با ۴۱ نفر افسر و ۲۴ نفر درجه دار، روز سوم مهر ماه ۱۳۵۹ با هواپیما در اهواز پیاده شدند و بلافاصله به آبادان و خرمشهر رفتند. آیا این رقم، قابل گفت و گو نیست؟ ما درگیر جنگ بودیم. صدها نفر سرباز و درجه دار و افسر و دانشجوی افسری در خرمشهر و آبادان با نیروهای رژیم بعث جنگیدند و شهید شدند. اما اسمی از این دلاورمردان در این کتاب آورده نشده است. خوشحالم که امیر حسینی سعدی به این نشست نیامدند، زیرا او فرمانده آن تیپ بود. اگر می آمد حتماً آورده و شاید هم بسیار ناراحت می شد. مطلب درباره این کتاب زیاد دارم.

را تشنه و وادار می کند که برای جنگی که در خرمشهر اتفاق افتاده، به یک مجموعه تاریخ شناختی جامع و روایت تاریخ شفاهی فکر کند. علیرضا کمره ای اظهار داشت: این کتاب با توجه به سال انتشار آن، دلالت تاریخی از جهت ذهنیت و شرح یک واقعه دارد. اما به جای باز چاپ باید به فکر باز تولید این کتاب بود، زیرا یک نگاه فرا وسیع در تجدید چاپ این کتاب لازم است. به دلیل این که این کتاب، یک کتاب مرجع هم هست، در تجدید چاپ باید به مواردی توجه کرد. از جمله بحث درباره دو قطبی شدن فرماندهی جنگ در اتاق جنگ که دائم به لحاظ فرماندهی دچار گرفتاری و اضطراب هاست و دیگری مقرر فرماندهی که در مسجد جامع خرمشهر شکل می گیرد. در کتاب آورده شده که محمد جهان آرا برای جمع آوری کمک و توضیح دادن وضعیت به اهواز می رود، منتهی تا سقوط شهر دیگر اثری از او در این کتاب نیست و مشخص نمی شود که کی و چرا برمی گردد؟ بسیاری از افراد اسم شان در این کتاب هست که ما نمی دانیم سرانجامشان چه می شود. خواننده می خواهد بفهمد که این مقام و شخصیت نظامی که در خرمشهر حضور داشته، به کجا رسیده؟ آیا شهید شده؟ می خواهم بگویم در آن طرح فراگیر تاریخ شفاهی می شود چنان دایره کار را وسیع گرفت که از یک کار پایه، به تعبیری تاریخ پایه ای درست شود و ارزش مرجع شناسی پیدا کند. حتی فرماندهان عراقی را که در جنگ خرمشهر حضور داشتند و در حال حاضر در بغداد سرگردان و بی کارند، پیدا کرد و از آنها پرسید که چه شد؟ و چه گذشت؟ این پژوهشگر و کارشناس ادبیات و تاریخ دفاع مقدس در پایان سخنان خود گفت: به هر حال کتاب "خرمشهر در جنگ طولانی" با توجه به زمان انتشارش کتاب بسیار بسیار قابل توجهی است. اما با عنایت به اینکه دامنه اطلاعات، توقع، دانسته ها، یافته ها، مخاطبان، اهداف و موضوعاتمان باید به سمت تکامل و ارتقاء پیش برود، نمی توانیم بر همین ساخت و اسلوب متمرکز بشویم. باید به فکر کار جامع باشیم. کار جامعی که مثلاً یک روایتش مربوط می شود به خانم سیده زهرا حسینی. او از کسانی است که در دفاع ۳۴ روزه خرمشهر پدر و برادرش شهید می شوند و نامی از آنها در این کتاب نیست. گفته ها و اظهارات او در یک کتاب حدوداً ۱۱۰۰ صفحه ای در دست چاپ است. کارهای مطالعاتی

دکتر سنگری:

فاصله زمانی نوشتن

این کتاب با حادثه

بسیار بسیار کم بود و

همین مساله بر ارزش کار

افزوده است

صلوات می‌فرستادیم.

مسائلی بود که باید در کتاب نوشته می‌شد تا آیندگان بدانند امیر سرتیپ نصرت‌الله معین وزیری در نشست نقد و بررسی کتاب "خرمشهر در جنگ طولانی" گفت: این کتاب در عین زیبایی و فصاحت ضعف‌هایی نیز دارد و یکی از نقاط ضعف آن کوچک‌نگری است. زیرا کتابی که نوشته می‌شود باید پیام بدهد و این پیام، هم شامل نوش و هم نیش و هم عبرت و هم آموخته باشد. وی افزود: یکی دیگر از ابعاد ضعف این کتاب این است که هر کس این کتاب را بخواند، فکر می‌کند در آینده اگر اتفاق مشابهی مثل حمله رژیم بعث به خرمشهر بیفتد، حوادث هم به همین صورت اتفاق خواهد افتاد. امیر سرتیپ نصرت‌الله معین وزیری اظهار داشت: مؤلفان این کتاب افراد برجسته و دانشمندی‌اند و آقای درودیان خود نظریه پرداز و صاحب نظریه است. اما انتظار می‌رفت در تألیف این کتاب نگاه حقیقت‌نگر و تحلیل رویکردها در کنارهم رعایت شوند. می‌دانید که اختلافات بین فرماندهان در شروع جنگ چه مشکلاتی برای ایران پیش آورد؟ ما سیستم فرماندهی در صحنه عملیات نداشتیم و هر کس به فکر خود بود. اینها مسائلی بودند که باید در کتاب نوشته می‌شد تا آیندگان بدانند و در اتفاقات آینده این گونه مسایل پیش نیاید. وی با گلایه از نویسندگان گفت: در کتاب آورده شده که فلان افسری که مسوول اتاق جنگ بوده وقتی خبر ناگواری را شنید، افتاد و بی‌هوش شد. ولله این چنین نبوده! این افسر زخمی شده بود. او افسر شجاع، وطن‌دوست و یار و یاور شهید صیاد شیرازی بود و هنوز هم هست. باور کنید در موقعیتی که همراه او به شناسایی می‌رفتیم و وقتی از بین ترکش‌های خمپاره عبور می‌کردیم، یک ذره خم به ابرویش نمی‌آورد. من خودم برای عیادت او به بیمارستان رفتم. وقتی هم حالش بهتر شد، به منطقه برگشت. امیر سرتیپ نصرت‌الله معین وزیری افزود: وقتی در رأس نیروهای مسلح ما اشتباه می‌شد، سرباز بدبخت چه گناهی کرده؟ آقای درودیان شما به قوانین سربازی آشنایی دارید. اگر آقای جهان‌آرا پرسنل را جمع می‌کرد و می‌گفت: هر کسی راضی است بماند و هر کسی راضی نیست برود، مگر فرماندهی گردانی که تمام پرسنلش در منطقه پخش است، می‌تواند این را به سربازانش بگوید. فرمانده گردانی که فرض کنید از گردان

ولی از آنجایی که گفتید: وقت محدود است، بعداً اگر خواستید آن نکات را به صورت مکتوب خدمتتان تقدیم می‌کنم. شاید روزی در آینده دور و نزدیک این کتاب ترجمه و در اختیار خارجی‌ها قرار بگیرد و در آن صورت ما باید به ناگفته‌ها خیلی بها بدهیم. وی افزود: بیشترین تأسفم از این است که چرا این کتاب که در سال ۱۳۶۱ نوشته شده و در سال ۱۳۸۷ به چاپ سوم رسیده، در تجدید چاپ بازنگری نشده است؟ چرا یک سری از واقعیت‌ها به دست فراموشی سپرده شده‌اند؟! حتماً تاریخ روزی قضاوت خواهد کرد.

نیروی هوایی ارتش یک ماه قبل از جنگ در دفاع از خرمشهر شرکت داشت امیر سرتیپ خلبان علیرضا نمکی در نشست نقد و بررسی کتاب "خرمشهر در جنگ طولانی" گفت: در زمان جنگ فرمانده گردان نیروی هوایی بودم. وقتی عراق به کشور حمله کرد، نیروی هوایی عراق پیش‌ساز نبرد بود. دلم می‌خواست این کتاب مقداری به ابعاد علمی و نظامی جنگ بیشتر توجه می‌کرد. یک ماه و ۲۰ روز قبل از جنگ خلبان حمید ذوالنعمتی و خلبان باستانی، در دفاع از خرمشهر شهید شدند و ۳ روز قبل از جنگ سرتیپ خلبان حسین لشکری در خرمشهر دستگیر و اسیر عراقی‌ها شد. وی افزود: دفاع از خرمشهر تنها به مقاومت مردمی که در آنجا بودند، محدود نمی‌شود. بنده چندین بار گمرگ خرمشهر را بمباران کردم تا کالاها به دست عراقی‌ها نرسد و همکاران من پل تنومه را که لشکر سوم عراق می‌خواست از آن رد بشود، ده‌ها بار بمباران کردند. دیگر پل‌های سر راه نیروهای عراقی هم بارها بمباران شدند. خلبان نمکی با اشاره به سیستم فرماندهی نیروی هوایی اظهار داشت: فرمانده وقت نیروی هوایی یک غیرنظامی بود و اصلاً درکی از مسائل تاکتیکی و استراتژی نداشت و اجازه نمی‌داد نیروی هوایی بیشتر از یک گردان وارد میدان شود. با توجه به محدودیت وقت می‌خواهم این مطلب را متذکر شوم که نیروی هوایی ارتش یک ماه قبل از جنگ در دفاع از خرمشهر شرکت داشت، اما اسمی از آن در این کتاب نیامده است.

دکتر سنگری پس از صحبت‌های خلبان نمکی گفت: خیلی خوشحالم که شما را از نزدیک می‌بینم. ما هر بار پس از بمباران‌های شما الله اکبر می‌گفتیم و برای سلامتی شما

خرمشهر از ۲۰ شهریور و در اوج درگیری مرزی و مقاومت ۳۴ روزه اختصاص دارد. بنابراین شاکله مقاومت را روی نیروهای بومی گذاشتیم و در حواشی کتاب نقش نیروهای دیگر را هم ذکر کردیم. کتاب ضعف‌هایی دارد که به نظر من یکی از ضعف‌های کتاب همین بخش حواشی آن است. درودیان درباره اثرگذاری این کتاب بر خواننده گفت: وقتی این کتاب را می‌خوانم سوال‌های متفاوتی برای من پیش می‌آید که این کتاب چه چیزی در خواننده ایجاد می‌کند؟ آیا با مطالعه این کتاب یک ایمان و باور قوی در او به وجود می‌آید؟ یا یک اراده بزرگ در شخصیت و روحش شکل می‌گیرد؟ یا یک تفکر عمیق در او ایجاد می‌شود؟ با مطالعه این کتاب به دلایلی، هیچ‌یک از این موارد را به تمامیت در خود احساس نکردم. همیشه برایم سؤال بود که چرا چنین احساسی به من دست نمی‌دهد. لذا احساس کردم آن بخش نانوشته‌ای که عرض کردم، شاید در این احساس مؤثر بوده است. من زمانی این کار را شروع کردم که مقاومت خرمشهر تمام و شهر هم آزاد شده بود. ولی این روند بر زندگی بچه‌هایی که خرمشهری بودند هیچ اثری نگذاشته بود. یعنی هنوز همان دربه‌دری و گرفتاری‌ها را داشتند. آدم‌هایی بودند که دو شوک بزرگ بر آنها وارد شده بود. درست است که خود مقاومت اسطوره است. ولی آنها در مقاومت ۳۴ روزه شکست خورده بودند و هر روز از این طرف آب به آن طرف آب و به شهرشان نگاه و با خاطرات شان زندگی می‌کردند. نگاه آنها به این شکست با نگاه ما کاملاً متفاوت بود. اتفاق دیگر برای بچه‌های خرمشهر این بود که آنها را برای عملیات بیت المقدس جمع کردند و فرمانده آنها آقای عبدالله نورانی، از بچه‌های آتش‌نشانی بود و در مقاومت ۳۴ روزه فرمانده یک محور نبرد در شهر و بعد هم فرمانده تیپ ۲۲ شده بود. قرار بود که زیر نظر قرارگاه نصر و به فرماندهی شهید باقری از جنوب مواضع دشمن در شمال خرمشهر و تقریباً از کنار کارون دور بزنند و وارد شهر بشوند. خدا رحمت کند شهید گرگانی را که راوی ما در آنجا بود. این تیپ موفق نشد و خیلی از بچه‌های خوب خرمشهر شهید شدند. یعنی آنها فاتحان خرمشهر نبودند، در صورتی که ۲۰ ماه در انتظار بودند تا شهرشان توسط خودشان آزاد بشود. الان که من نگاه می‌کنم می‌بینم شاید علت مهم روح حاکم بر این کتاب.

۸۰۰ نفری اش ۶۰ نفر باقی مانده باشد، چه کاری می‌تواند انجام بدهد؟ وی معتقد است: باز هم یکسونگری شده، باز هم تعصب ارگانی در این کتاب تأثیر گذاشته است. زیرا برای سرباز می‌نویسند تسلیم شده یا فرار کرده! اما برای دیگران می‌نویسند عقب‌نشینی کرده! در صورتی که عقب‌نشینی و فرار دو مقوله متعارض اند. مهم‌ترین اشکال، جمع‌بندی احساسی از کتاب است

محمد درودیان، یکی از نویسندگان کتاب "خرمشهر در جنگ طولانی" در این نشست گفت: نگارش اولیه کتاب در فاصله سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۳ به طول انجامید و با گذشت ربع قرن از نوشتن این کتاب، نگاه من بیشتر به دنبال موضع نقد این اثر است. وی درباره روند نگارش کتاب افزود: نوشتن کتاب دو مرحله کلی داشته که مرحله اول در واقع نگارش اولیه متن است. زمستان سال ۱۳۶۱ شروع کردم و در نیمه یا آخر سال ۱۳۶۳ کتاب را به اتمام رساندم. درودیان اظهار داشت: ساختارهای اولیه متعلق به آن زمان است و نقدی به آن موضوع دارم. وقتی نگاه می‌کنم، می‌بینم در بعضی مسائل هنوز ذهنیت من همان ذهنیت ۲۵ سال قبل است. یعنی در بعضی زمینه‌ها دچار تکرار شده‌ایم. بنابراین با این فاصله زمانی نقد کتاب تا حدودی دشوار است. وی گفت: احساس کردم که این کتاب یک خطوط نانوخته‌ای دارد که شاید نوشتن آن خطوط نانوخته امکان نداشته یا در توانمندی ما نبوده که آن‌ها را بیان کنیم. ولی آن خطوط نانوخته اثرش را روی کتاب گذاشته و قابل مشاهده هم هست. اگر ما این فرض را بپذیریم که هر کتابی قاعدتاً باید به یک سری مسائل پاسخ بدهد و اگر درباره این کتاب پرسش شود که فلسفه نوشتنش چه بوده است؟ و اگر بخواهیم پاسخ این سؤال را بدهیم، به نظر من نقد باز می‌شود و مشخص است که از چه منظری باید کتاب را نقد کنیم. نویسنده کتاب "خرمشهر در جنگ طولانی" افزود: موقعی که وارد خرمشهر شدم، اولین انگیزه‌ای که برای نوشتن کتاب پیدا کردم بحث مقاومت در خرمشهر بود. این کتاب بر اساس سه نظریه تنظیم شده، ولی مساله اصلی آن مقاومت خرمشهر است. نظریه اول بحث تاریخی خرمشهر و نظریه دوم که حداقل چند فصل کتاب حول این محور تنظیم شده، بحث نیروهای انقلاب و ضدانقلاب در خرمشهر است. نظریه سوم، به مقاومت مردم بومی

داریم. خود شهید جهان آرا ضبط را از راوی مامی گیرد و ۴۵ دقیقه مقاومت خرمشهر را توضیح می‌دهد. آن زمان نیروها در صحبت کردن اکراه داشتند. کل اسناد محاکمات و بازجویی عاملان کودتای نوژه را در دادسرای نظامی خواندم و از مستندات آن در کتاب استفاده کردم. نویسنده کتاب "خرمشهر در جنگ طولانی" در باره اهمیت ندادن به بخش فرهنگی خرمشهر در کتاب گفت: اسناد و عکس‌هایی را درباره چگونگی و ریشه و قدمت تاریخی خرمشهر، همراه مقدمه جمع‌آوری کردم. احتمالاً آقای هادی نخعی یکی از نویسندگان به ملاحظاتی آن را حذف کرده و این مقدمه را نوشته است. منتهی اشکالش این است که کتاب یا باید محورش خرمشهر از تاریخ تا انتها، یا مقاومت ۳۴ روزه باشد و بخش‌های زاید کنار برود و بر محور اصلی کتاب تمرکز شود. وی افزود: در خصوص مقاومت نظامی، ما جنگ را در خرمشهر به سه مقطع سازماندهی کردیم. اما آقای مهدی انصاری یکی دیگر از نویسندگان کتاب بعداً با منابعی که به دستش آمد، این منابع را به روز کرد. در صورتی که من معتقدم به روز کردن، درست نیست. چون جنگ یک برش‌هایی دارد. مثلاً ۱۰ و ۱۱ مهر ۱۳۵۹ فرازی در تاریخ جنگ این مملکت است و تحلیل نظامی ما از مقاومت مردم در مسجد جامع خرمشهر. که پایگاه سازماندهی مقاومت در خرمشهر. و همچنین پل خرمشهر. که کل خرمشهر را به عقبه و بیرون خرمشهر متصل می‌کرد. بود. اگر می‌خواستیم کتاب شامل تحلیل نظامی مبتنی بر مقاومت باشد، باید بر مدار این نقاط ثقل حرکت می‌کرد که حرکت نمی‌کند و مهم‌ترین اشکال این کتاب این است که صفحه ۴۶۸ یک جمع‌بندی احساسی از کتاب ارائه کرده است. در صورتی که باید جمع‌بندی تحلیلی تاریخی و نظامی می‌کرد. درودیان در پایان گفت: کتاب "خرمشهر در جنگ طولانی" قابلیت کار بر خرمشهر را نشان می‌دهد نه سقف کار بر خرمشهر را. ما دو کار می‌توانیم انجام دهیم. تمام منابع منحصر به فرد و اسناد را دوباره پیاده کنیم و یک بار دیگر بایک رویکرد مشخص. مثل مقاومت در خرمشهر. کتاب را بار دیگر بنویسیم یا دوستانی از بیرون بیایند و درباره دانشکده افسری ارتش و نیروهای مردمی بنویسند و همه اینها را نظم بدهیم و یک کار جدید بنویسیم.

به رغم آن جذابیت خاصی که در روایت تاریخی از مقاومت در یک شهر دارد. بخش نانوشته خاطرات و گفته‌های این عزیزان است که جای آن در کتاب خالی است. درودیان منابع این کتاب را اسناد سپاه پاسداران، ارتش، شهربانی، فرمانداری، استانداری و روایت کسانی که در خرمشهر بوده‌اند، ذکر کرد و افزود: آقای محمد فروزنده مسوول اطلاعات سپاه خوزستان بود. خیلی حافظه قوی‌ای داشت. ظرف ۳ ساعت کل جریان مقاومت خرمشهر و آزادسازی آن را توضیح داد. شهید بهروز مرادی هم ما را به پلیس راه خرمشهر برد و از آنجا که عراقی‌ها وارد شهر شده بودند تا پایان مقاومت ۳۴ روزه را توضیح داد. ۵ ساعت از صحبت‌های او را ضبط کردم. آنقدر دقیق توضیح می‌داد که من همان موقع احساس می‌کردم یک فیلم‌نامه است و ما نوارش را داریم. بنابراین منابع دست اولی که ما استفاده کردیم، چه اسناد و چه گفت‌وگوها با افرادی است که آن زمان بودند و حضور ذهن داشتند. اسامی آنها در کتاب ذکر شده و کم‌نظیر است. آن زمان که کتاب را شروع کردیم هیچ جمع‌بندی در مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ درباره استراتژی آمریکا در جنگ نشده بود. لذا ما احساس کردیم برای بررسی مقاومت در خرمشهر اطلاعات مقدماتی مورد نیاز است. بنابراین بخشی از آن‌ها به کتاب اضافه شد. خدا رحمت کند آقای دلشاد تهرانی را، مسوول اطلاعات ژاندارمری شده بود. ما یک آشنایی قدیم با او داشتیم. تمام اسناد ژاندارمری و گزارش‌های کم‌نظیری را که گردآوری کرده بود، در اختیار من قرار داد و از آنها در کتاب استفاده کردم. وی در ادامه گفت: در نقد کتاب گفتند که جهت‌گیری کتاب مشخص نیست، می‌توانم بگویم هر کسی این ظرفیت را دارد که از کتاب یک برداشت و یک انتظاراتی داشته باشد. محمد درودیان اظهار داشت: وقتی از خرداد سال ۱۳۶۰ تاریخ نگاری جنگ را در سپاه شروع کردیم، حوزه‌های مختلفی را برابر معابر ورودی ارتش عراق به کشور و نیرو برای ثبت و ضبط رویدادها گذاشتیم. شهید گرگانی و آقایان مستوفی و زمانزاده به خرمشهر رفتند. ما بسیاری از ذهنیت‌های این کتاب را در سال ۱۳۶۰ گرفتیم. مثلاً خواهان اصلاً مایل نبودند گفت‌وگو کنند. می‌گفتند در خانه ضبط می‌کنیم. از شهید جهان آرا یک نوار فیلم تلویزیونی که همیشه بخش می‌شود و یک نوار صوتی